اکبر محمدی

رتبه: برگزیده دوم بخش جوان

تحصیلات: کارشناسی ارشد

عنوان اثر: پدیدارشناسی تاریخی انقلاب اسلامی ایران؛ هرمنوتیکِ پدیدارشناسانهِ میل رستگاری و تجربه امر قدسی در برهه انقلاب

قالب اثر: پایان‌نامه کارشناسی ارشد

گروه علمی: مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره)

درباره پژوهشگر

اکبر محمدی متولد ۱۳۷۵ در قزوین، مسیر تحصیل را از دبیرستان ریاضی- فیزیک شروع و با علاقه ای که به فهم جامعه پیدا کرد، به تحصیل در رشته جامعه شناسی در دانشگاه تهران رو آورد و تا دکتری جامعه شناسی را در همین دانشگاه با استفاده از بورس استعدادهای درخشان گذراند. نامبرده اینک پژوهشگر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی است. پروژه فکری وی، پرداختن به این پرسش بنیادین است که «جامعه چگونه تأسیس میشود و پیوندهای جمعی چگونه شکل میگیرند؟». او برای پاسخ به این سؤال، سراغ انقلاب ها رفته است. رویکرد وی در این کتاب، کاملاً بین رشته ای است؛ گویی برای ترسیم یک نقشه کامل، از قلم های جامعه شناسی، فلسفه، الهیات و حتی روان کاوی کمک می گیرد. این مسیر برای درک ژرف آدمیان و دنیایی است که با هم می سازند.

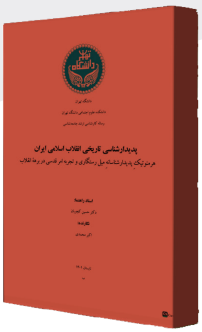

چکیده پژوهش

این تحقیق با رویکردی پدیدارشناسانه و با تمرکز بر لحظه «تأسیسی انقلاب»، به دنبال فهم چگونگی شکل گیری نظم اجتماعی جدید است. استدلال اصلی آن است که تبیین های متعارف انقلاب (مانند تغییر حکومت، تحولات طبقاتی یا بسیج توده ها) ناتوان از توضیح این لحظه بنیادین هستند. برای عبور از این ناتوانی، پژوهش به سراغ نظریه های کلاسیک، جامعه شناسی، به ویژه آرای دورکیم و وبر رفته است. دورکیم با مفاهیمی همچون «وجدان جمعی»، «غلیان اجتماعی» و «همبستگی اجتماعی» به تحلیل پیدایش امر اجتماعی مقدس می پردازد. این تحقیق با بسط این چارچوب، نشان می دهد که در لحظه انقلاب، نوعی«وجدان جمعی انقلاب» و «شور مشترک» شکل میگیرد که جامعه را از نو می سازد. انقلاب اسلامی ایران به عنوان مطالعه موردی در این اثر بررسی شده است. پرسش محوری این است که چگونه در جامعه ای با روند نوسازی و صورتی متصلب شده از مناسک، انقلاب توانست الگوهای فرهنگی و مناسک جدیدی را با چنین عمومیتی ایجاد کند. پاسخ در تبدیل اعتراض به «مناسک جمعی» و «شهادت» نهفته است. در این تحقیق، تظاهرات و شعارها، در قالب تقویم و نمادهای مذهبی بازتعریف شدند و به «نیازهای خیالی» جمعی تبدیل گشتند. این فرایند به «والایش نفسانی» و خلق «ارزش های غایی» استعلایی مانند آزادی، شهادت و عشق به دیگران انجامید. در اینجا، «قربانی» نه یک فقدان فردی، بلکه بنیانی برای شکل گیری ارزش های عام شد. ارزش های غایی «شهادت» به عالی ترین سطح اخلاقی تبدیل شد و با ارائه تفسیری جدید از آزادی، مبنای هستی اجتماعی نوینی قرار گرفت که بر عشق حماسی و پیوند جمعی استوار است.